

سخن نهاد

ما و تهران آینده

علیرضا عبداللیب / رئیس نهاد برنامه ریزی توسعه شهری تهران

فرا رسیدن سال نو بر همه ایرانیان عزیز و همه ایران دوستان مبارک باد.

بدون شک سال جدید، سالی سراسر امید و نشاط و اشتیاق برای رسیدن به ایرانی آبادتر و توسعه یافته تر و پویاتر خواهد بود. چرا که هر ایرانی آزاده‌ای، ایرانی را در خور ملتش می‌خواهد.

تهران نیز به عنوان پایتخت کشوری که سابقه سه هزار ساله اندیشه و تمدن و روابط اجتماعی بلند منزلتی داشته در رأس چنین انتظاری است. تهران پیش از آنکه مکان هندسی جغرافیایی باشد، جلوه تاریخی سراسر فراز و نشیب و در عین حال پایداری و سرافرازی و مقاومت است. شهروند تهرانی از خود خواهد پرسید شهر من به کجا می‌رود؟

آیا این رفتن و این روند صعودی است؟ جهشی است؟ در جا است؟ یا پسروی و عقب‌گرد؟ اگر بپذیریم که هرگز نمی‌توان بر روی یک کلنگی ساختمان پیشرفته و مدرن و نوسازی را احداث نمود، آنگاه خواهیم پذیرفت که بر اساس یک اندیشه و تفکر کهنه نیز نمی‌توان اندیشه‌ای نو و پویا بنا نهاد. مقدمتاً و لزوماً می‌بایست بنای قدیم و یا اندیشه کهنه "جاکن" شود یعنی برداشته شود، زیرو رو شود، منهدم شود تا بتوان از نو و مجدداً ساختاری جدید را بنا نهاد.

اگر از خودمان بپرسیم آیا بین "تهران آینده" و مطلوب نظر ما و "آینده تهران فعلی" چگونه رابطه‌ای وجود دارد، احتمالاً ابتدا لیخندی از سر "عدم تجانس" بین این دو مقوله خواهیم زد و سپس به تحلیل میان "حقیقت" و "واقعیت" آینده و شهر تهران می‌پردازیم.

آنچه مسلم است این است که تهران در کلیه ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و صنعتی مرحله گذار و پشت سر نهادن عقب‌ماندگی را می‌گذراند. برنامه ریزی، طرح ریزی شهری و بالاخره طرح جامع نیز حوزه عملش هدایت تغییرات کالبدی شهری است. اما همین هدایت روند تغییر و تحولات کالبدی شهر و یا سازمان‌یابی فضایی آن که خود وظیفه برنامه ریزی شهری است "ایجاباً" و باید مبتنی بر "چگونه برداشتی" از موقعیت کنونی تهران بوده باشد، چه خواهیم و چه نخواهیم مبنای نگاه ما به آینده از "موقعیت کنونی" تهران خواهد بود. بنابراین نقطه عطف انتظار ما متوجه تهرانی خواهد بود که در بهترین و عالی‌ترین شکل مفهوم "تهران" و "پایتخت ایران" را حفظ کرده و صیانت نموده باشد.

تهران آینده، تهران مبتنی بر روش‌ها و برداشتهای وارداتی نباید باشد. تهران مورد نظر، شهری است که نه تنها مزاحم کسی نیست، خود نیز مزاحم ندارد؛ نه صنایع مزاحم، نه ترافیک مزاحم، نه اقتصاد مزاحم، نه روابط مزاحم و نه مدیریت مزاحم.

تهران مورد نظر، شهری است که عملیات پایش و ارزیابی به عنوان فرایندی پیوسته و دائمی (و نه مقطعی) در آن دیده شده و اجرا می‌شود. شهری است که مداوماً توانایی ارزیابی و تنظیم را از خود به نمایش می‌گذارد. شهری است که تناسب میان فضا و حجم مسکونی با فضا و حجم تجاری، خدماتی، فرهنگی، تجاری و غیره به گونه‌ای منطقی برقرار بوده و به عبارتی "تناسب کامل" داشته باشد.

تهران مورد نظر، یک شهر "هوشمند" است. هوشمندی برای شهر، یک صفت جامع و

ویژه نامه نهاد توسعه تهران، مجله‌ای اختصاصی برای مسائل شهر است که به سفارش و پشتیبانی «نهاد برنامه ریزی توسعه شهری تهران» به ضمیمه ماهنامه منظر منتشر می‌شود. شهر، به مثابه پیشرفته ترین دستاورد تمدن انسان، آن چنان که شأن اوست شناخته نشده است. در جامعه ایران، علی‌رغم سنت پویا و عظیم شهرنشینی، این نقیصه بیشتر چهره می‌نماید.

«نهاد برنامه ریزی توسعه شهری تهران» که رسالت هدایت طرح‌های توسعه شهری تهران را بر عهده دارد با درک منطقی و واقع بینی از مسئله، توسعه فرهنگ شهر و گسترش مطالعات شهری را در میان فعالیت‌های خود برنامه ریزی کرده است. بومی ساختن مسئله شهر در جامعه ایران و کشف راه حل‌های متناسب شرایط اجتماعی ما، هدفی است که از طریق رشد پژوهش‌ها و گسترش مطالعات علمی و نقد تجربه‌های جاری حاصل می‌شود. ویژه نامه نهاد توسعه تهران در صدد است در این زمینه گام بردارد.

سخن نهاد / ۲

تهران آینده؛ حاکمیت قانون و عقلانیت / ۴

منظری فیلسوفانه از تهران آینده / ۸

بازنگری در نقش‌های

ملی و فراملی تهران / ۱۰

آزمون طرح جامع / ۱۲

تهران آینده؛

نیازمند فضاهای شهری مطلوب / ۱۴

بررسی نظام برنامه ریزی شهری در ایران / ۱۶

سازمان برنامه ریزی شهری در تجربه کلان شهرها / ۱۸

شهر خوب، برنامه خوب / ۲۲

واقعیت و مجاز در فضای سبز تهران / ۲۶

منظر، کالبد نیست / ۳۰

هیئت تحریریه ویژه نامه

دکتر علیرضا عبداللیب

دکتر سید عبدالهادی دانشپور / دکتر غلامرضا کاظمیان

دکتر شریف مطوف / دکتر کیانوش ذاکر حقیقی

مانع و قابل اندازه‌گیری نیست. هوشمند به این معناست که خود شهر پیام می‌دهد که سهم اقتصاد مدرنش چقدر است؟ خودش پیام می‌دهد که حمل و نقل شهری مدرن در کجا انبساط و انقباض یابد، خدمات بانکی و پولی تا کجا جریان یابد؟ کدام خدمات با کدام شاخص «مدرن» است؟ خدمات اجتماعی فعال و پربازده کدام است؟ تبدیل تهران به شهری دانش پایه و جهانی با افزایش سهم اقتصاد مدرن و دانش پایه، با زیرساخت‌ها و ارتباطات لازم در آن برای ارتقاء کیفیت زندگی و فعالیت‌پذیری شهر در سطح جهانی و منطقه‌ای، قطعاً افق نگاه هر ایرانی و هر شهروند تهرانی است.

اما می‌دانیم که دانش، پدیده‌ای کاملاً مستقل، برون سیستمی و انتخاب شونده نیست. دانش، روندی است وابسته و پیوسته به تحول همه‌جانبه اجتماعی و اقتصادی و ابزاری است که برای هدف‌های عالی به کار می‌رود. بنابراین تهران مورد نظر زمانی دانش پایه خواهد شد که مبتنی بر روش‌شناسی باشد. روش‌شناسی در واقع مفهومی است فلسفی که به چگونگی کشف حقیقت و ریشه‌های روابط و تجویزهای مبتنی بر شناخت وضع موجود و گذشته می‌پردازد. روش‌شناسی شامل روش تجربی، آماری، تفهیمی، واقع‌گرایی، ناب، تحلیل‌های انتزاعی، سیستمی، دیالکتیکی و کردارگرا، قیاسی، تطبیقی و مانند آن باشد که هر یک بر حسب نوع و قلمرو مطالعه، مفهومی جدید را برای تهران متعالی بیان می‌دارد و تهران را در مسیر کنش جدیدی مستقر می‌سازد.

اما پرسش اصلی این است که چگونه؟
"اگر" همین تهرانی که گفتیم "هدف" باشد تازه، سؤال این است چه کار کنیم که به آنجا برسیم؟

می‌گویند کسی از کسی پرسید: این جا چه کار می‌کنی؟ ...
او در پاسخ گفت: پس کجا، چه کار بکنم؟

اگر ما ندانیم که با تهران از کی و از کجا، چکارش بکنیم؟ یعنی اینکه اصلاً بویی از مفهوم شهرشناسی، شهرسازی، برنامه‌ریزی و طراحی شهری نبرده‌ایم. اگر ما ندانیم که تهران در هر نقطه‌اش از کجا (ی تاریخ) شروع کرده و به کجا قرار است بیانجامد که به باطل رفته‌ایم ... همانطور که اگر ما همواره متعاقب هر "بیهوده‌کاری" فریاد انتقال پایتخت را سر بدهیم و خود را از چنگال تارهایی که خود بر تن و پیکره شهرمان بافته‌ایم رها کرده و برویم که در جای دیگری یک تهران "دیگر" بسازیم ...

مسئله اصلی در مورد تهران آینده و حرکت به سمت تهران مطلوب در آینده، بیش از آنکه منوط به آگاهی از "چه باید کرد" باشد وابستگی مستقیم دارد به آگاهی از "چه نباید کرد" ها ...

اگر مجموعه نکات و نقاط منفی را که تاکنون طی ده برنامه توسعه (یا حداقل شصت سال برنامه‌ریزی توسعه) وجود داشته مد نظر قرار داده و آنها را از بستر برنامه‌ریزی شهری حذف و یا اصلاح نماییم، آنوقت می‌دانیم که از هر کجا سر در بیاوریم دیگر "نا کجا" آباد نخواهد بود. نکاتی مانند؛

■ فقدان کارشناسان شهرساز یا کمبود قابل ملاحظه آنان.
■ تأکید بر جنبه‌های کالبدی تهران در طرح‌ها بدون در نظر گرفتن

تخصص‌هایی چون اقتصاد، جامعه‌شناسی و حتی رفتارشناسی ...
■ فقدان ارقام داده‌ها و اطلاعات لازم برای تبیین وقایع؛
■ عدم توجه به پیامدهای جنبی اجرای طرح‌ها؛
■ مشخص نبودن سیاست شهرنشینی در تهران و توزیع جمعیت در سطح پهنه شهری؛
■ نارسایی ناشی از اهداف، خواست‌ها و محتوای طرح‌های خوب مطالعه نشده؛

■ نارسایی طرح‌ها در برآورد جمعیت و نیازهای واقعی جامعه؛
■ وجود نقص، ضعف و عدم دقت در تدوین ضوابط و مقررات؛
■ عدم ارائه ضوابط مشخص برای ساخت و ساز در حریم؛
■ توجه به مناطق جدید برای توسعه از یک طرف و بلا تکلیف رها شدن بافت‌های موجود و قدیمی شهر از طرف دیگر؛
■ بی‌توجهی به نقش مردم و عدم مشارکت جدی آنان در اجرای طرح‌ها؛

■ تسلط دیدگاه‌های بخشی‌نگری بر برنامه‌های عمرانی؛
■ نارسایی و تنگناهای ناشی از ناهماهنگی و عدم ارتباط کافی بین ارگان‌های اجرایی طرح‌ها؛
■ نارسایی‌ها و تنگناهای مالی؛

■ نارسایی‌ها و تنگناهای مدیریتی، سازمانی و نیروی انسانی؛
■ نارسایی‌ها و تنگناهای حقوقی و قانونی؛
■ فقدان هرگونه قانون مشخص در خصوص کیفیت و طرز اجرای طرح‌های جامع؛

■ فقدان سیستم مناسبی جهت توزیع عادلانه منافع و هزینه‌های طرح‌های جامع؛
■ تداخل شدید فعالیت‌های متعارض و متناقض؛

■ و ...

در یک کلام، اگر بپذیریم که تغییر فهم انسان از جهان زیست خود و درک اهمیت حفظ نظام طبیعی آن برای پایداری حین توسعه و تحول، منجر به بکارگیری مؤثر علوم در تمام عرصه‌های مرتبط با این جهان از جمله معماری شده و حضور علم در معماری نیز به مثابه یک محور اصلی، بر مفهوم معماری و شهرسازی اثر می‌گذارد، آن وقت خواهیم پذیرفت که شهر مورد نظر، تهران، اگر در بستر و مسیر چنین علمی قرار گیرد به نقطه عطف "پایداری" خواهد رسید و این منوط به وجود یک طراحی پایدار اکولوژیک خواهد بود. یعنی طراحی پایدار محیطی، طراحی پایدار فرهنگی، طراحی پایدار اجتماعی و طراحی پایدار اقتصادی که در مجموع طراحی پایدار فضایی را به دنبال خواهد داشت.

به عبارت دیگر طرحی می‌تواند تهران را در نقطه ایده‌آل قرار دهد که از سه جنبه کیفیت مکانی، کیفیت زندگی و کیفیت محیطی به نقطه مطلوب رسیده باشد و این همان تحول و تعالی در رویکرد شکلی تهران، رویکرد سازه‌گرای تهران و رویکرد تکامل‌گرای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تهران است که می‌تواند تهران آینده را از هم اکنون در ذهن و افق‌های ما متصور نماید.

به امید تحقق هر سه رویکرد ...